

فمینیسیم

جین فریدمن

ترجمه‌ی

فیروزه مهاجر



انتشارات آشیان

Jane Freedman
Feminism
Open University press, 2001

سرشناسه	: فریدمن، جین Freedman, Jane
عنوان و نام پدیدآور	: فمینیسم / آنوسنده جین فریدمن؛ ترجمه‌ی فیروزه مهاجر.
مشخصات نشر	: تهران: آشیان، ۱۳۸۱.
مشخصات ظاهری	: ۱۶۰ ص.
فروست	: مفاهیم علوم اجتماعی؛ ۶.
شابک	: 978-964-7518-05-5
یادداشت	: عنوان اصلی: Feminism.
یادداشت	: کتابنامه: ص. [۱۴۷] - ۱۵۴.
یادداشت	: نمایه.
موضوع	: فمینیسم - حقوق زن - زنان -- وضع اجتماعی
شناسه افزوده	: مهاجر، فیروزه، ۱۳۲۶ - مترجم
رده بندی کنگره	: ۱۳۸۱ ف ۸ ۴۵ / ف ۱۱۵۴ HQ
رده بندی دیویی	: ۳۰۵/۴۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۸۱-۱۳۴۷



انتشارات آشیان

فمینیسم

نویسنده: جین فریدمن

مترجم: فیروزه مهاجر

طراحی و آماده‌سازی روی جلد: بهرام داوری، محمد مهدی علی‌نیا

چاپ ششم: ۱۴۰۰

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۳۵۰۰۰ تومان

مرکز فروش: خیابان انقلاب، خیابان فخر رازی، کوچه فاتحی داریان، پلاک ۵، طبقه اول

تلفن: ۰۹۱۲۱۳۹۹۶۲۵ - ۶۶۹۷۲۷۹۲

Ashian2002@yahoo.com

ISBN: 978-964-7518-05-5

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۵۱۸-۰۵-۵

تمامی حقوق این اثر محفوظ می‌باشد. تکثیر یا تولید مجدد آن به صورت کلی و جزئی و به هر صورت (چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر و نشر الکترونیکی) بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع است.

این کتاب با کاغذ حمایتی منتشر شده است.

فهرست مطالب

مقدمه: یک فمینیسم یا فمینیسم‌های متعدد؟.....	۵
۱ مساوی یا متفاوت؟ معضل فمینیستی ابدی.....	۱۷
۲ فمینیسم‌ و امور سیاسی: نبرد برای حقوق شهروندی زنان.....	۴۳
۳ اشتغال و اقتصاد جهانی.....	۷۳
۴ احساسات جنسی و قدرت.....	۹۵
۵ قومیت و هویت: مشکل ذات‌گرایی و چالش پسامدرن....	۱۲۱
پی‌نوشت‌ها.....	۱۴۷
نمایه.....	۱۵۵

مقدمه: یک فمینیسم یا فمینیسم‌های متعدد؟

درست‌تر آن بود که عنوان این کتاب انواع فمینیسم باشد، زیرا، به محض آن‌که آدمی دست به تلاش برای تحلیل تمامی آنچه که به نام فمینیسم گفته و نوشته شده می‌زند، معلوم می‌شود که فمینیسم یک مفهوم واحد نیست، بلکه برعکس مجموعه‌ای عقاید، و در واقع کنش‌هایی، متفاوت و چندین وجهی است. و هرچند تلاش‌های زیادی به عمل آمده تا به این سؤال که «فمینیسم چیست؟» با مجموعه‌ای از آرا و عقاید که برای تمامی نظریه‌های فمینیستی محوری باشند پاسخی داده شود، این کار به دلیل آن‌که انواع بسیار مختلف فمینیسم نه تنها ظاهراً متفاوت که گاه به شدت ضد هم هستند، دشوار گشته است. بنابراین، شاید از این فرض باید شروع کنیم که نمی‌شود گفت «فمینیسم» چیست، بلکه صرفاً می‌توان دست به تلاش برای یافتن خصلت‌های مشترک بین انواع متعدد و متفاوت «فمینیسم» زد. تلاش برای رسیدن به یک تعریف پایه از مبنای مشترک تمامی فمینیسم‌ها همواره می‌تواند با تأکید بر این نکته آغاز شود که اساس همه آن‌ها موقعیت فرودست زنان در جامعه و تبعیضی است که زنان به دلیل جنس خود با آن روبه‌رو می‌شوند. افزون بر آن، می‌توان این‌طور عنوان کرد که تمامی انواع فمینیسم، به منظور کاهش این تبعیض و در نهایت غلبه بر آن، خواهان تغییراتی در نظم اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی‌اند. به هر حال، فراسوی این تأکیدات کلی یافتن «زمینه مشترک»

دیگری میان انواع متفاوت فمینیسم دشوار است و، طبق استدلال دلمار^۱ (۱۹۸۶)، نمی‌توان وانمود کرد که توافق یا وحدتی فمینیستی زیربنای پراکندگی شدید در فمینیسم معاصر را تشکیل می‌دهد. به راستی، حاصل ناخواسته این گونه تظاهر به وحدت یا انسجام زیربنایی انواع فمینیسم چه بسا به حاشیه راندن گروه‌های مختلف زنانی باشد که دلمشغولی‌های آن‌ها خارج از تعریف فوق از وحدت فمینیستی قرار می‌گیرد.

پس، اگر رسیدن به تعریفی برای فمینیسم بر حسب یک رشته مفاهیم جوهری دشوار (یا شاید غیر ممکن) باشد، آیا فمینیسم را می‌توان بر حسب خاستگاه‌های تاریخی و شکل‌گیری‌اش بهتر یا کامل‌تر تعریف کرد؟ اصطلاح فمینیسم نسبتاً مدرن است - بحث‌هایی در این باره که این واژه نخستین بار کی و کجا به کار رفته وجود دارد، اما، از قرار معلوم واژه «فمینیست» نخستین بار در ۱۸۷۱ و در یک متن پزشکی به زبان فرانسه برای تشریح گونه‌ای وقفه در رشد اندام‌ها و خصایص جنسی بیماران مردی به کار رفته، که تصور می‌شده است بر این اساس از «خصوصیات زنانه یافتن»^۲ زن خود در رنج‌اند (فرس ۱۹۹۵). سپس، الکساندر دومای پسر، نویسنده‌ای فرانسوی، جمهوری خواه و ضد فمینیست، این واژه را گرفت و در جزوه‌ای چاپ ۱۸۷۲ با عنوان مرد-زن^۳، درباره مسئله زنای محصنه، برای تشریح زنانی به کار برد که به گونه‌ای ظاهراً مردانه رفتار می‌کنند. در نتیجه، همان‌طور که فرس^۴ (۱۹۹۵): (۳۱۶) یادآور می‌شود، اگر چه در فرهنگ پزشکی معنی فمینیسم خصوصیات زنانه یافتن مردان بود، در اصطلاح سیاسی این واژه ابتدا در توضیح خصوصیات مردانه یافتن زنان به کار رفت. این نوع درهم‌ریختگی جنسیتی بی‌گمان در قرن نوزدهم مایه هراس بود، و می‌توان گفت که هم‌چنان در

1. Rosalind Delmar

2. *L'homme-femme*

3. Fraisse

جوامع امروزی نیز که گاه چنین استنباط می‌شود که فمینیست‌ها به تفاوت‌های طبیعی بین زن و مرد معترض هستند به شکلی تعدیل شده وجود دارد. با همه این احوال، ذکر این نکته جالب است که فمینیست در آغاز صفتی نبود که زنان برای توصیف خود یا اعمال‌شان به کار برند، و می‌توان با اطمینان گفت چیزی که ما امروزه تفکر و فعالیت «فمینیستی» می‌نامیم مدت‌ها پیش از آن که خود واژه به کار گرفته شود وجود داشت. در دهه ۱۸۴۰ جنبش حقوق زنان در ایالات متحد با پیمان آبشار سِنِکا^۱ آغاز به ظهور کرد و دستاورد آن، اعلامیه احساسات^۲، که طالب رعایت اصول آزادی و برابری در مورد زنان بود، در اعلامیه استقلال آمریکا^۳ انعکاسی گسترده یافت. در پی آن الیزابت کدی استانتن و سوزان ب. آنتونی^۴ انجمن ملی حق‌رای زنان^۵ را تأسیس کردند. بریتانیا نیز از دهه ۱۸۴۰ به بعد شاهد پدید آمدن جنبش‌های حق‌رای زنان بود. اما حتی پیش از ظهور جنبش‌های حق‌رای تشکل یافته، زنان نوشتن درباره نابرابری‌ها و بی‌عدالتی‌ها در شرایط اجتماعی زنان و مبارزه برای تغییر آن را شروع کرده بودند. در ۱۷۹۲ مری ولستن‌کرافت^۶ کتاب احقاق حقوق زنان^۷ را نوشت و هم‌زمان با آن در فرانسه زنانی مانند المپ دو گورژ و تروان دو مریکور^۸ برای گسترش حقوق وعده داده شده به زنان در انقلاب فرانسه مبارزه می‌کردند. بنابراین، اگر چه می‌توان مراحل رشد جنبش حقوق زنان را از اواسط قرن نوزدهم به بعد شرح داد، این نقطه شروع توجه نشان دادن زنان به شرایط اجتماعی و سیاسی خود نبود.

1. Seneca Falls Convention

2. *Declaration of Sentiments*

3. *American Declaration of Independence*

4. Elizabeth Cady Stanton and Susan B. Anthony

5. National Women Suffrage Association

6. Mary Wollstonecraft

7. *A Vindication of the Rights of Women*

8. Olympe de Gouges and Théroigne de Méricourt